

# تربیت برای آزادی یا بندگی؟

برخورد تعلیم و تربیت «بنده پرور» ساسانی، با تعلیم و تربیت «آزاد منشا نه» اسلامی برخورد دو جهان بینی متضاد را نشان میدهد و همین جاذبه‌ی آموزش آزادمنشانه اسلامی بود که بیش از هر چیز دیگر قلب ایرانی را تسخیر کرد.

بالاخره، نقش پذیری و نفوذ تربیت در جامعه‌ها قابل انکار نیست زیرا تربیت، تدبیر اجتماعی است که یا به منظور بندگی انسان یا برای آزادی او بکار می‌رود.

یکی از اندیشمندان غرب «پائولو فرایره» (۱) که درباره تعلیم و تربیت تالیفات زیادی دارد و در محافل بین‌المللی آموزش و پرورش سرشناس می‌باشد، معتقد است که تربیت یا برای بنده پروری است و یا برای آزادی و آزادمنشی (۲).

**نقش تعلیم و تربیت**

«اخلاق» و «شخصیت» انسان، به طرز تعلیم و تربیت او بستگی دارد، هرگاه در يك جامعه سیستم‌های تربیتی و شیوه‌های آموزشی جامع و صحیح باشد، بطور مسلم افراد آن جامعه دارای فضائل و روحیات عالی انسانی خواهند بود، برعکس اگر برنامه تربیتی و فرهنگی يك جامعه، غلط و نادرست باشد، افراد آن جامعه با اخلاق ناپسند و خلقیات زشت بار می‌آیند.

۱- Paulo Freire . استاد دانشگاه شیلی و وزیر سابق برزیل است .

۲- مراجعه شود به مقاله او تحت عنوان «نظرگاهها و اختلاف نظرها» در نشریه سه‌ماهه یونسکو :

ترجمه دکتر مشایخی .

را مانند اجزای ماشین میکرد که توسط موتور در حرکت است و هر وقت موتور از کار افتاد اجزاء نیز از کار بازمی ماند. اختیار افراد مردم در دست زمامداران و کارکنان دولت بود و از خود اراده و عقیده نداشتند...» (۳)

افراد ملت دارای وجود مستقل نبودند تا ابراز حیات و شخصیت نمایند.

«هرودوت» در این باره می نویسد که: «بکنوع فرمانبرداری مطلق و یک قسم تسلیم و انقیاد صرف بوسیله پرورش و عادت در نهاد مردم ایران متمکن شده بود که تخلف از آن بخاطر هیچکس نمی رسیده» (۴)

تاریخ نویس انگلیسی «جرج راولین من» (۵) می گوید: «یکی از معایب آموزش و پرورش ایران قدیم تولید حس عبودیت و بندگی بی حد و حصر و اطاعت کورکورانه بود... که بنظر مردم امروز متپای با مردانگی و شئون انسانی است» (۶)

فرزندان ایران چاره ای نداشتند جز اینکه محتوای برنامه را با فروتنی و خضوع در ذهن خود جای دهند و در درستی این برنامه ها نباید شک کنند و نیز نباید حلت وجودی واقعه ها را بدانند و از هر گونه تفکر انتقادی دوری جویند و خود را با نمونه های ثابت انطباق دهند و «الگوئی» و «قالی» فکر نمایند. در این نوع تربیت افراد مطلع و اشخاص کلدان هیچ ارزشی ندارند.

در برنامه های تربیتی و فرهنگی آزادمنشانه، هدف، اعتلای نفس و بهبود زندگی افراد جامعه است، این نوع تربیت موجب می شود که نیروهای ذهنی انسان به صورت استعداد های حیاتی، جالب و مهیج در آیند و شخصیت افراد متشکل گردد و این نوع فرهنگ، انسان را از روش درست اندیشیدن آگاه می سازد. در نتیجه دانشی را که بدست آورده آن را در زندگی بکار می بندد.

در سیستم تربیت «بنده پرور» هدف «بی حس» کردن فکر و اندیشه انسان است و جاویدان کردن ارزش های طبقه حاکمه است که سازمان رسمی تربیتی را به وجود آورده زیرا در این نوع تربیت سرنوشت امور در دست آن طبقه است. این نوع تعلیم و تربیت انسان را نسبت به خود بیگانه می کند و انسان را در خلاف جهت احراز شخصیت و آزادگی، و بهبود زندگی خود بکار می اندازد.

### تربیت در دوران ساسانیان

از گفتار آسیب شناسان تمدن ساسانی، بر می آید که طرز تربیت آن روز، بر سیستم «بنده پروری» بوده است. مؤلف کتاب «تاریخ فرهنگ ایران» می نویسد: عیب مهم دیگر که در روش پرورش وجود داشت، روش القای عقیده بود که ایجاد حس فرمانبرداری مطلق و تسلیم کورکورانه در برابر قدرت و قوه قهریه می کرد و بکلی شخصیت افراد را از بین می برد و آنها

۳- تاریخ فرهنگ ایران: دکتر عیسی صدیق ص ۸۶

۴- هفت پادشاهی بزرگ مشرق زمین در قدیم ج ۲ ص ۳۱۹

5- George Rawlinson

۶- همان مددک بنا نقل تاریخ فرهنگ ایران ص ۸۶

خود را به مردم اعلام نمایند مؤلف «تاریخ اجتماعی ایران» می نویسد: «استبداد مطلق سلاطین و همکاری دین و دولت در تحدید عقاید و افکار، به خمود فکری مردم کمک میکرد. حقوق و آزادیهای دموکراتیک، و امکان بحث و گفتگو در زمینه های مختلف فلسفی، مذهبی و اجتماعی بدانسان که در یونان و هندوستان و چین وجود داشت در هیچیک از ادوار تاریخ باستانی این سرزمین سابقه ندارد، به همین علت نهال ظریف و گرانمایه‌ی اندیشه‌های فلسفی در ایران باستان کمتر مجال رشد و بلوغ یافته است...» (۸)

آری تربیت «بنده پرور» تمدن ساسانی نواحی فرزندان ایران را مادون مقام و شخصیت انسانی، عادت داده بود و آنان به این وضع خو گرفته بودند که در آستان خداوندان خود، سر بر خاک نهند و پیشانی بر توده‌های غبار بسایند و هنگام عبور امراء خروش «دور شوید و کور شوید» که تا اعماق روحشان نفوذ میکرد، بشنوند و تن بهرنوع ذلت و خواری بدهند.

این نوع تربیت هم بیگانه کننده، وهم «بنده پرورانه» است و به سهولت می توان آثار سوء این نوع تربیت را در تمام مراحل تربیت رسمی تمدن ساسانی مشاهده کرد.

آری اختناق فکری و انحصار افکار و عقاید در چهارچوب اعتقادی رسمی، بیشک عامل مرگه فکر و محرومیت جامعه از استعدادهای بسیار و اندیشه‌های نوین بود و جنایتی از این شوم تر در جهان بشریت

بهترین سند و شاهد این مطلب داستانی است که «طبری» از هادلترین سلاطین ساسانی (انوشیروان) نقل کرده است.

اومی نویسد: خسرو انوشیروان بعد از تصویب مالیات، شورائی از دبیران و دانشمندان ترتیب داد به این منظور که هرگاه کسی در قانون مالیاتی جدید ایرادی دارد، بدون پروا، اظهار کند. او دو بار این جمله را تکرار کرد که اگر کسی در این باره ایرادی دارد، بگوید.

همه ساکت ماندند و هیچکس حرفی نزد چون باردیگر این سؤال تکرار شد، مردی از جای برخاست و با کمال احترام گفت که شما خراج دائمی بر اشیاء ناپایدار تحمیل فرموده اید و این بمرور زمان در اخذ خراج موجب ظلم خواهد شد.

همینکه انوشیروان این سخن را شنید، گویانکه بنا نبود کسی اعتراض بکند، فریاد کرد: ای گستاخ! تو از کدام طبقه هستی؟! آن مرد در جواب گفت: قربان از طبقه دبیرانم، او دستور داد وی را با قلمدان آفتد بزنند تا بمیرد! همه دبیران از جای برخاستند آفتد را و با قلمدان زدند تا هلاک شد آنگاه حاضران منظور او را از مشورت درک کردند و جملگی گفتند: «خراجهاییکه مقرر شده است همه موافق عدالت است» (۷)

دخالت متفندان در دستگاه تعلیم و تربیت، علم را در برقه اطاعت آنان در آورده بود متفکران نمی توانستند عقاید خود را اظهار کنند و افکار و عقاید

۷- تاریخ طبری ج ۲ صفحه ۲۵۲ - ایران در زمان ساسانیان کرستن سن صفحه ۲۶۷

۸- تاریخ اجتماعی ایران صفحه ۷۲۲

قابل تصور نیست .

حسابگر، عادل را دوست نزدیک و یار صمیمی خود میدانند، و سررشته همه اموری که در جهان هستی میگذرد در دست اوستی باید، هرگز تن به ذلت و خواری نمیده، ابزار هرکاری و هر کارفرمایی نمی گردد.

اسلام انسان را در هر شبانه روز لا اقل ده بار و امیدارد در برابر آفریدگار یگانه و اراده مطلق همه کائنات بایستد و از صمیم دل بگوید: «تنها ترا می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم...» (۹)

ستایش، کرنش، نیایش، امید، بیم، خطر، سعادت و شقاوت از همه کس و همه چیز حذف می گردد تنها به خدا منحصر می شود، انسان مسلمان در سراسر عمر این اصول و این شعارها را در برابر «خود» و «خدا» صمیمانه و جدی بازگو می کند .

بدین ترتیب همه ضعفها، ترسها، طمعها در روح انسان محو می گردد، پاک و آراسته می شود و شخصیت خود را در برابر هر کس نگه میدارد.

در اسلام حریت و آزادی حق طبیعی هر انسان است . پیامبر اکرم میفرماید : «الناس كلهم احرار الامن اقر علی نفسه بالعبودية» (۱۰) مردم همه آزادند مگر کسانی که به بندگی و بردگی خود اقرار نموده و تن به پستی و خواری داده اند .

امیرمؤمنان علی (ع) فرموده : «لانکین هبذغیرک وقد جعلک الله حراً» (۱۱) بنده دیگری مباش که خدا ترا آزاد آفریده است .

میزان آزادی سیاسی و دمکراسی را در آغاز

این سبک تربیت دست و پای ایرانی را بسته بود. ولی اندیشمندان ایرانی که خود را مشول میدانستند در این شرایط آرام و ساکت ننشسته ، و مبارزات طولانی و بی گیری جهت رهایی از این قیدوبند ، شروع کرده بودند و می توان تاریخچه او را در عهد ساسانی را اجمالاً شرح مبارزات ایرانیان مظلوم و استعمار شده در راه عدالت و آزادی دانست .

ملت ایران در آن عصر خود را بیک منطق تربیتی اصیل و علمی و آزاد منشانه، محتاج میدید ، منطقی که افق روشن زندگی انسانها را در شرایط دنیای همزمان خود به آنان نشان دهد و آنان را از این حالت سرگستگی تربیتی نجات بخشد .

### تربیت آزاد منشانه اسلام

برنامه های تربیتی و فرهنگی اسلام کاملاً آزاد-منشانه است و هدف، پرورش و تربیت انسان آگاه آزاد، مستقل و دلیر است . تعلیمات تربیتی اسلام طوری است که شخصیت انسانی هر کس را بعد ا کمل رشد می رساند ، و شکوه و عظمت انسان را بخود انسان می شناساند و انسان را از روش درست اندیشیدن آگاه می سازد و طرز به زیستی و درستگاری را به انسان یاد میدهد .

تمام تعالیم اسلام، انسان را به آزادی و مناعت-طبیع و «هزت نفس» سوق میدهد فی المثل انسانی که بتوحید مؤمن است خدای ناظر ، قوی ، بینا،

۹- ایاک نعبد و ایاک نستعین- یک آیه از سوره حمد.

۱۰- وسائل ج ۳ ص ۲۴۲

۱۱- نهج البلاغه فیض الاسلام ص ۹۲۰

ساسانی و تربیت آزاد منشانه اسلام) را در هنگام لشکر کشی علی (ع) به شام و برخورد با کشاورزان آزاد شده‌ی ایرانی شهر «انبار» مشاهده کنیم:

هنگامیکه نیروی «عراق» بسوی «شام» حرکت میکند، دهقانان شهر «انبار» به آئین ایران قدیم، صف بسته بودند تا ازا، بر مؤمنان علی (ع) همچون ساسانیان استقبال نمایند. چون آنحضرت را دیدند بر طبق عادت دیرینه و به رسم احترام و تعظیم، در پیش رکابش دویدند به هلهله و شادی پرداختند. علی (ع) فرمود: این چه کاری بود که کردید؟ گفتند: این عادت ماست که سرداران و زمامداران خود را با آن احترام می‌نمائیم. حضرت بایانی پر لطف و نوازش این چنین انتقاد میکند و سجده و تعظیم را، ویژه خداوند آسمانها و زمین می‌شمارد: بخدا - و گنگد حکمرانان شما در این کار سود نمی‌برند، شما خود را با این کار، در دنیا برنج و زحمت و در آخرت به بدبختی گرفتار می‌سازید چقدر زیانبار است رنجی که بی آن هذاب باشد، و چقدر سود دارد آسودگی‌ای که همراه آن ایمنی از آتش دوزخ باشد. (۱۴)

حکومت اسلامی، از این قضیه معروف و مشهور بهتر می‌توان فهمید، یکی از خلفاء در آغاز کار خود در یک نطق سیاسی، با توده مردم چنین می‌گوید: «مردم امن بر شما حکومت یافتند اما از شما بهتر نیستیم دوست می‌داشتیم که کسی از شما مرا در این کار جانشین میشد. پس اگر درمن کجی یافتید آن را راست کنید».

هری گمنام از میان توده برمی‌خیزد و فریاد بر می‌آورد که: اگر در تو کجی یافتم با این شمشیر تو را راست خواهم کرد. خلیفه او را دعوی کند. (۱۲)

و این نیز سخن علی (ع) (مصدق حق و پیشوای هدایت) است. وی در جواب یکی از افسران که او را بیایمی ستاید، می‌گوید: «من هرگز چنین ستایشها را نمی‌پذیرم و این حالت را نمی‌پسندم بلکه دوست دارم آنچه را که حق می‌بیند آزادانه بمن بگوئید» (۱۳)

خلاصه در تمام تعالیم عالی‌ه اسلام و تمام مراحل تمدن اسلامی تمرین آزادی و حریت را بسهولت می‌توان مشاهده کرد.

ما به روشنی می‌توانیم یکی از حساسترین لحظات برخورد این دو سیستم تربیتی (تربیت بنده پرور -

## اظهار فقر مکن

پیامبر گرامی (ص) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدِهِ أَنْ يَرَىٰ أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ وَيُبْغِضَ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ.

«خدا بنده‌ای را دوست می‌دارد که اگر به او نعمتی داد؛ اثر آن در زندگی وی

آشکارا دیده شود، خداوند از اظهار فقر و ابراز تنگدستی بیزار است» | نهج الفصاحه

۱۲- بعضیها این مطلب را به خلیفه اول و بعضیها به خلیفه دوم نسبت داده‌اند

۱۳- نهج البلاغه. تصحیح عبده ص ۳۷۲

۱۴- نهج البلاغه فیض الاسلام صفحه ۱۰۹۴